

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده تحصیلات تکمیلی خوزستان

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

فرهنگ تشبیهات دیوان قوامی رازی

استاد راهنما :

دکتر محمد شکریایی

استاد مشاور :

دکتر مهدی کدخدای طراح

نگارش :

داود زاده هندیجانی

سپاسگزاری

وظیفه خود می دانم از استاد محترم جناب آقای دکتر محمد شکرایی که راهنمایی اینجانب را در این پایان نامه به عهده گرفتند و بخصوص در تصحیح متن فرهنگ تشبیهات با نگاه دقیق و موشکافانه خود بسیاری از اشکالات اینجانب را حل نمودند و در این مدت راهنمایی های ایشان همواره چراغ راهم بود و گاه و بیگاه، حضوری و غیر حضوری (تلفنی) با سعه صدر و با حوصله تمام به مشکلات این حقیر پاسخ می دادند تشکر و سپاسگزای ویژه بنمایم.

همچنین از استاد محترم جناب آقای دکتر مهدی کدخدای طراحی که مشاوره اینجانب را به عهده گرفتند و در معرفی و تهیه منابع مورد نیاز کمک شایانی به اینجانب نمودند و از مشاوره های ارزنده ایشان در تدوین پایان نامه بسیار بهره بردم، کمال تشکر را دارم.

داود زاده هندیجانی

چکیده

فرهنگ تشبیهات دیوان قوامی رازی، به عنوان یکی از شاعران معروف نیمه اول قرن ششم که به مواعظ و حکم و مناقب خاندان رسالت شهرت دارد می تواند در تبیین سیرتشبیهات در تاریخ ادبیات مفید واقع گردد.

فرهنگ الفبایی تشبیهات قوامی، دسترسی محققان علوم بلاغی به تشبیهات او را آسان می کند و همچنین مأخذی برای محققان سبک های ادبی خواهد بود تا بتوانند وضعیت علوم بلاغی را در آن سبک و دوره ای که قوامی بوده، بررسی نمایند.

این پژوهش در دو بخش اصلی ارائه گردیده است: در بخش اول بررسی و تحلیل انواع تشبیه در دیوان قوامی رازی، و بخش دوم، فرهنگ تشبیهات قوامی بر اساس مشبه و به ترتیب الفبایی. قوامی از تشبیه به وفور استفاده کرده است و آن را در خدمت مواعظه و پند و مناقب اهل بیت به کار برده است.

در تشبیهات هم به جنبه های حسی توجه داشته است هم به جنبه های عقلی اما تشبیهات عقلی او بیشتر است. یعنی هم برون گراست، هم درون گرا. بیشتر از تشبیه بلیغ استفاده کرده است. تشبیهات بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی) او فراوان است. تشبیهات را بیشتر به صورت مفرد به کار برده است. استفاده او از اصطلاحات خاص نانبایی که پیشه او بوده است در تشبیهات برجسته است و شاید بتوان آن را نوعی نوآوری و خلاقیت به حساب آورد. در مجموع به دلیل وجود انواع تشبیه و استفاده فراوان او از تشبیه در اشعارش که جنبه مواعظه ای و منقبتی دارد قابل توجه است.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه.....
۷- ۱۸.....	فصل اول: ترجمهٔ احوال قوامی را.....
۷.....	قوامی از زبان تذکره ها.....
۹.....	ولادت قوامی.....
۱۰.....	وفات قوامی.....
۱۰.....	ممدوحان قوامی.....
۱۰.....	قوامی از زبان شعرش.....
۱۴.....	سبک شعر قوامی.....
۱۴.....	مضامین اشعار قوامی.....
۱۵.....	اهمیت کار قوامی.....
۱۷.....	ارجاعات فصل اول.....
۱۹- ۶۶.....	فصل دوم: تشبیه و انواع آن در اشعار قوامی رازی.....
۱۹.....	اهمیت تشبیه.....
۱۹.....	تعریف تشبیه.....
۲۰.....	ارکان تشبیه.....
۲۱.....	انواع تشبیه به اعتبار ادات تشبیه و وجه شبه.....
۲۱.....	تشبیه مفصل.....

- ۲۱..... تشبیه مؤکد (بالکنایه ، محذوف الادات)
- ۲۲ تشبیه بلیغ.....
- ۲۲ ادات تشبیه به کار رفته در دیوان قوامی.....
- ۲۳..... انواع تشبیه به اعتبار طرفین تشبیه.....
- ۲۳..... مشبّه حسی ، مشبّه به حسی.....
- ۲۳ مشبّه عقلی ، مشبّه به حسی.....
- ۲۳..... مشبّه حسی ، مشبّه به عقلی.....
- ۲۴..... مشبّه عقلی ، مشبّه به عقلی.....
- ۲۵ تشبیه خیالی و وهمی.....
- ۲۵ تشبیه خیالی.....
- ۲۵ تشبیه وهمی.....
- ۲۷-۳۲..... انواع تشبیه به اعتبار مفردومقید و مرکب بودن و نیز حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه.....
- ۳۳..... انواع تشبیه به اعتبار وجه شبه.....
- ۳۳..... وجه شبه حقیقی
- ۳۳..... وجه شبه تخیلی.....
- ۳۳..... وجه شبه حسی.....
- ۳۴..... وجه شبه عقلی.....
- ۳۴..... وجه شبه مفرد و متعدد و مرکب.....
- ۳۴..... وجه شبه مفرد
- ۳۵..... وجه شبه متعدد.....
- ۳۶..... وجه شبه مرکب.....
- ۳۷..... تقسیم تشبیه به تمثیل و غیر تمثیل براساس وجه شبه.....
- ۳۷..... تقسیم تشبیه بر اساس دوری و نزدیکی وجه شبه.....
- ۳۸..... وجه شبه دوگانه یا استخدام.....
- ۳۹..... انواع تشبیه به لحاظ شکل.....

۳۹.....	تشبیه مشروط.....
۴۰.....	تشبیه معکوس یا مقلوب.....
۴۱.....	تشبیه تفضیل.....
۴۲.....	تشبیه مضمحل.....
۴۲.....	تشبیه ملفوف.....
۴۳.....	تشبیه مفروق.....
۴۳.....	تشبیه تسویه.....
۴۴.....	تشبیه جمع.....
۴۵.....	تشبیه به صورت اضافه (اضافه تشبیهی).....
۴۵.....	اضافه تلمیحی.....
۴۷.....	اضافه اساطیری.....
۴۸.....	اضافه سمبلیک.....
۴۸.....	تشبیه تلمیح به صورت غیر اضافی.....
۴۹.....	گونه های دیگر تشبیه.....
۴۹.....	تشبیه موقوف المعانی.....
۵۰.....	هممانی (تشابه).....
۵۰.....	تشبیه در تشبیه.....
۵۱.....	تشبیه حماسی یا تفصیلی.....
۵۱.....	تشبیه طنز.....
۵۲.....	تشبیه تمثیل.....
۵۳.....	اسلوب معادله.....
۵۳.....	ارسال المثل.....
۵۴.....	تشبیه تمثیلی.....
۵۵.....	نوعی تشبیه تمثیل.....
۵۶.....	آرمان ها و بهره های تشبیه در اشعار قوامی.....

۵۹.....	نعت پیامبر (ص) و منقبت امامان (ع)
۶۰.....	توصیف و تصویر گری
۶۰.....	مفاخره
۶۲.....	مدح
۶۲.....	تشبیهاتی که تحت تأثیر محیط کاری خود به کار برده
۶۳.....	آمار تشبیهات قوامی
۶۴.....	نتیجه گیری
۶۵.....	ارجاعات فصل دوم
۶۷-۲۶۷.....	فصل سوم: متن فرهنگ تشبیهات قوامی
۲۶۸-۳۰۳.....	فصل چهارم: اشارات و توضیحات
۳۰۴-۳۲۱.....	نمایه
۳۲۲.....	منابع و مأخذ

مقدمه

یکی از مهمترین مباحث علم بیان، تشبیه است که از دیر باز مورد توجه شاعران و پس از آن مورد توجه علمای بلاغی بوده است و شاید بتوان گفت، هنری ترین و مهمترین ابزار خیال انگیزی که لازمه هر شعر می باشد، تشبیه است، زیرا خیال عنصر و جوهر اصلی شعر است و یکی از معیارهای سنجش شاعران، میزان استفاده از این هنر و میزان نوآوری هر شاعر در آن بوده است.

لذتی که هر خواننده و شنونده ای از شعر می برد بیشتر به خاطر تشبیهاتی است که در آن به کار رفته است و شگفتی خود را از توجه دقیق شاعر به محیط اطراف خود و گاه مسائل ساده و عادی ابراز می دارد. البته عناصر دیگر خیال، یعنی استعاره، مجاز، کنایه و... نیز هر کدام در این لذت جویی هنری سهیم هستند، ولی به نظر نگارنده، تشبیه شالوده عناصر خیال است، زیرا اولاً هر شنونده و خواننده ای - چه آشنا به علوم ادبی و چه غیر آن - به راحتی آن را احساس می کند و از آن لذت می برد. ثانیاً عناصر دیگر خیال همگی از تشبیه گرفته شده اند و در حقیقت مرحله تکمیلی تشبیه هستند. به همین دلیل شاعران فارسی زبان از همان ابتدای تولد شعر فارسی به این هنر توجه خاصی نشان داده اند و به میزان زیادی از این هنر استفاده کرده و به وسیله آن قدرت هنری خود را به رخ همدیگر کشیده اند و به دنبال آن در دوره های مختلف با دخل و تصرف و نوآوری در این هنر کوشیده اند ابتکار و خلاقیتی را به نام خود ثبت کنند و به تبع همین امر، تشبیه یکی از موضوعات اولیه و مهمی شد که توجه علمای بلاغی را به خود جلب کرد و در این مورد کتابهای زیادی نوشتند و برای آن تقسیم بندی ها و جدول های مختلفی ارائه نمودند که همه بر اساس نمونه های شعری تا زمان خود بوده و خیلی کلی از هر شاعر نمونه هایی ذکر کرده اند و هیچگاه همه تشبیهات شاعران را به صورت فرهنگ و با ذکر جزئیات جمع آوری نکرده اند.

از آن جایی که تاکنون فرهنگ هایی از دیوان شاعران با ذکر جزئیات در ادبیات ما وجود نداشته است و تنها نمونه هایی از تشبیهات به صورت پراکنده در بعضی کتب دیده می شده است، تعدادی از دانشجویان دانشگاه پیام نور اهواز به پیشنهاد یکی از اساتید محترم دانشگاه، جناب آقای دکتر گیتی فروز، تصمیم گرفتیم که این کار را آغاز کنیم و برای این کار هر کدام از ما دیوان شعری از

شاعران را با موضوع فرهنگ تشبیهات آن شاعر به دانشگاه مرکزی پیشنهاد نمودیم و پس از تصویب، پژوهش خود را آغاز کردیم.

اهمیت موضوع:

تهیه فرهنگ تشبیهات دیوان های شاعران، ضمن تسهیل دسترسی به عناصر تشبیهی شاعران می تواند در تبیین سیرتشبیهات در تاریخ ادبیات مفید واقع گردد. به کمک این فرهنگ و دیگر فرهنگ هایی که از این دست ارائه می گردد می توان سابقه تشبیهات را در دیوان های شاعران مقدم و رد پای آن را در دیوان های شاعران مؤخر جستجو کرد و تصرفات هنری شاعران را در عرصه تشبیه ارزیابی نمود.

البته این کار وقتی به نتیجه می رسد که همه دیوان های شعری شاعران پارسی گو از این نظر بررسی شوند و برای هر کدام از شاعران، فرهنگ تشبیهات جداگانه ای نوشته شود که با کنار هم گذاشتن آنها می توان به اطلاعات دقیقی تر و مفید تری از جمله نوآوری هر شاعر در نوع تشبیه و اولین کسی که تشبیه خاصی را برای اولین بار به کار برده و... دست یافت.

در مجموع تهیه فرهنگ تشبیهات، که در حال حاضر جای آن در عرصه پژوهش های ادبی خالی است، می تواند ابزار کارآمدی برای محققان علوم بلاغی باشد.

در مورد تشبیهات قوامی رازی تاکنون هیچ کار مستقل و کاملی صورت نگرفته است و تنها مقاله ای که بعضی تشبیهات او را در مورد حضرت علی (ع) جمع آوری کرده توسط آقای دکتر علی رضا نبی لو چهرقانی با عنوان (قوامی رازی ستایشگر شیعه) تألیف شده است.^۱ بنابراین فرهنگ تشبیهات قوامی رازی با همه کاستی هایی که ممکن است داشته باشد می تواند گامی مثبت در معرفی این شاعر شیعی گمنام ولی توانای قرن ششم هجری باشد البته از خود فرهنگ می توان موضوعات مختلفی استخراج کرد و مورد بررسی قرار داد که ان شاء الله در فرصتهای بعدی بتوانم این کار را انجام دهم.

سابقه فرهنگ نویسی در تشبیهات

برای اطلاع از سابقه فرهنگ نویسی در تشبیهات و دیگر صور خیال، مهمترین کتاب هایی را که در این زمینه نوشته شده اند به نقل از کتاب صور خیال در شعر فارسی، اثر دکتر شفیع کدکنی، می آوریم:^۲

۱- ر.ک. فصلنامه شیعه شناسی، ۱۳۸۶، شماره ۱۷.

۲- ر.ک. صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۸۳، صص ۱۶۸-۱۵۸.

در ادبیات عرب:

۱- تشبیهات ابن ابی عون که کتابی است بسیار مهم در زمینه دسته بندی تشبیهات شاعران عرب در موضوعات مختلف.

۲- دیوان المعانی ابو هلال عسکری که تصویرها و خیال های شاعرانه مختلف شاعران عرب را دسته بندی و نقل کرده است.

۳- فصول التماثل ابن معتز که فقط تصویرهای مربوط به شراب را از شاعران مختلف جمع کرده است.

۴- وصف الال فی وصف الهلال جلال الدین سیوطی که به گرد آوری تشبیهات و تصویرهای مربوط به هلال پرداخته است.

۵- من غاب عنه المطرب ثعالبی که مضامین مختلف و تشبیهات گوناگون شاعران را در ادب عرب گرد آورده است و آنها را در فصولی دسته بندی کرده است.

در زبان فارسی:

در زبان فارسی در این زمینه کتاب بسیار کم است:

۱- انیس العشاق شرف الدین رامی که تشبیهات و استعارات شاعران فارسی زبان را از میان اشعار مختلف استخراج کرده و بدون آوردن شعرها در فصولی چند گرد کرده است و فقط تشبیهات و استعارات مربوط به اندام های معشوق را آورده است.

۲- ارمغان آصفی که به شیوه تصرفات گویندگان پارسی زبان در معانی شعری پرداخته است و در این زمینه، مهمترین فرهنگ به حساب می آید، اما او تنها مفردات را با ترکیباتی که از نظر فعلی و به طور استعاری و مجازی به کار رفته اند دسته بندی کرده است و بیشتر به جنبه های استعاری پرداخته است.

۳- فرهنگ مترادفات محمد پادشاه که مجموعه ای است از استعارات و کنایات و مجاز های زبان شعری شاعران پارسی زبان.

۴- مصطلحات الشعرا از امامقلی چگنی وارسته که نمونه های بسیاری از تشبیهات و استعاره های رایج در میان شعرا را گرد آوری کرده است.

البته امروزه استادان و بزرگان ادبی کتابهایی در زمینه صور خیال در شعر شاعران نوشته اند که آن نیز به صورت کلی است و همه عناصر خیال انگیز و تصویر ساز را با هم در نظر گرفته اند، از جمله کتاب مهم صور خیال در شعر فارسی اثر دکتر شفیع کدکنی (که تا پایان قرن پنجم را آورده

است) ، صور خیال در شعر نظامی تألیف دکتر برات زنجانی ، قصیده فنی و تصویر آفرینی خاقانی تألیف دکتر منیره احمد سلطانی و....

همانطور که ملاحظه کردید در زمینه فرهنگ تشبیهات هریک از شاعران به طور مستقل و جداگانه و به طور گسترده کتابی تألیف نشده است در نتیجه لزوم این کار بیشتر احساس می شود.

مراحل تحقیق و روش کار

نگارنده برای انتخاب شاعری که فرهنگ تشبیهاتش را تهیه کنم تصمیم گرفتم به سراغ شاعران گمنام بروم و با مطالعه تاریخ ادبیات صفا چند تن از این شاعران را انتخاب کردم و با موضوع فرهنگ تشبیهات هر شاعر، به دانشگاه مرکزی ارائه نمودم که گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مرکزی با موضوع فرهنگ تشبیهات قوامی رازی براساس مشبه موافقت نمودند.

متأسفانه دیوان قوامی رازی یک بار به تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی معروف به محدث در سال ۱۳۳۴ چاپ شده است و بعد از آن چاپی صورت نگرفته است که این امر مشکل مرا برای تهیه دیوان او دو چندان کرد و حتی بسیاری از کتابخانه های بزرگ، آن دیوان را نداشتند و اگر هم در کتابخانه هایی مانند کتابخانه ملی یا آستان قدس یا مجلس ، وجود داشت آن را به امانت نمی دادند . بالاخره بعد از تلاش و جستجوی زیاد، به حکم «جوینده ، یابنده است» ، دیوان قوامی رازی را از یکی از کتابفروشی های زیر زمینی تهران تهیه کردم.

با مطالعه مقدمه دیوان متوجه شدم بسیاری از اشعار قوامی از بین رفته و اشعار پراکنده ای از او در تذکره هایی چون لباب الباب عوفی و هفت اقلیم احمد رازی آورده شده است و این اشعار پراکنده در نسخه مورد تصحیح مرحوم محدث نیست و از آن جا که قصد ما تهیه فرهنگ تشبیهات اشعار قوامی بود آن اشعاری را که در مقدمه آمده بود بررسی کردیم و تشبیهات آن را جزء فرهنگ آوردیم.

بنابراین مطالعه و بررسی اشعار را از مقدمه دیوان شروع کردیم و به ترتیب ذیل ادامه دادیم:

۱- تهیه فیش برای هر تشبیه و مدخل گذاری بر اساس مشبه.

۲- دسته بندی فیش ها بر اساس حرف اول مدخل ها .

۳- ترتیب دسته های فیش بر اساس حروف الفبا.

۴- قرار دادن مشبه های مقید و مرکب بر اساس واژه اصلی خود در حرف مربوط به خود.

۵- مرتب کردن الفبایی مشبه های هر دسته بر اساس حرف های دوم و سوم .

۶- مرتب کردن مشبه به های هر مشبه بر اساس حروف الفبا.

- ۷- نوشتن متن فرهنگ به ترتیب الفبایی مشبّه ها و مشبّه به ها و آوردن بیت مربوط.
- ۸- نوشتن مشبه های مقید و مرکب بعد از مشبه مفرد با عبارت «در ترکیب» .
- ۹- مطالعه و بررسی متن فرهنگ و رفع نواقص و اشکالات.
- ۱۰- ارائه ی متن فرهنگ به استادان محترم راهنما و مشاور جهت بررسی و اخذ نظرات ایشان.
- ۱۱- اصلاح اشکالات موجود در متن فرهنگ.
- ۱۲- پاکنویس و تایپ فرهنگ.
- ۱۳- پس از تهیه متن فرهنگ به بررسی تشبیه و انواع آن بر اساس کتب بیان در دیوان قوامی پرداختیم و از هر نوع تشبیه نمونه هایی از اشعار قوامی ارائه نمودیم.
- ۱۴- ابیاتی که نیاز به توضیح یا معنی جهت روشن شدن تشبیه داشتند و یا واژه و نکته ای که نیاز به معنی و توضیح داشت در قسمتی تحت عنوان اشارات و توضیحات آمده است . این قسمت بعد از متن فرهنگ قرار دارد که این توضیحات به ترتیب اشعار متن فرهنگ ارایه شده است.
- ۱۵- تهیه نمایه فرهنگ که فهرست گونه ای از مشبّه ها و مشبّه به های متن فرهنگ است و در یک نمای کلی تشبیهات اشعار قوامی را نشان می دهد .

نتیجه گیری :

در شروع کار ، وقتی دیوان را یک مرور سطحی می کردم به نظر می آمد قوامی از تشبیه خیلی کم استفاده کرده باشد و حتی نگران بودم که تشبیهات او در حد یک پایان نامه نباشد اما وقتی با دقت دیوان را بررسی کردم و کار فیش برداری را به اتمام رساندم متوجه شدم که دیوان قوامی با وجودی که شاعری گمنام است و از شاعران درجه دوم محسوب می شود و شعر او شعری موعظه ای است ولی پر است از انواع تشبیهات و در این کار اگر از شاعران مشهور سرترباشد کمتر هم نیست و در واقع دیوان اشعار او به فرمایش استاد محترم راهنما ، دکتر شکرایی: « خود فرهنگ تشبیهات است.»

در پایان آماری نسبی از انواع تشبیهات قوامی به درصد آورده می شود:

دیوان قوامی رازی مشتمل بر ۳۳۴۸ بیت است. اشعار پراکنده او در تذکره ها ۸۷ بیت است که جمعاً ۳۴۳۵ بیت می شود، در اشعار او تعداد ۲۱۲۰ تشبیه به کار رفته است، یعنی حدود ۶۲٪ .

قوامی در تشبیهات هم به جنبه های حسی توجه داشته و هم به جنبه های عقلی اما تشبیهات عقلی او بیشتر است .

تشبیهات او بیشتر مفرد است. از تشبیهات بلیغ زیاد استفاده کرده ؛ حدود ۴۰٪ تشبیهات او تشبیه بلیغ اضافی است.

حسى به حسى : ١٩% - حسى به عقلى : ٧% - عقلى به عقلى : ٢٥% - عقلى به حسى : ٤١%-
مركب: ١٥% - مفصل : ٨% - مرسل : ١٥% - تفضيل : ٢% - معكوس: ٦% - مضمير: ٢%
مفروق: ٢% - ملفوف: ٢% - جمع: ٢% - تسويه: ٣% - موقوف المعانى: ٣% .

فصل اول

ترجمه احوال قوامی رازی

بس مبارک بود چو فرّ همای
اوّل کارها به نام خدای
قوامی رازی

شرف الشعرا امیر بدرالدین قوامی رازی از شاعران معروف نیمه اول قرن ششم هجری است که به مواعظ و حکم و مدح و منقبت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و ائمه اطهار و خاندان رسالت شهرت دارد.

آقای ذبیح الله صفا در مورد اولین کسی که از او نامی برده است چنین می گوید:
«قدیمترین کسی که اسم قوامی را آورده ، نصیر الدین ابی الرشید عبد الجلیل بن الحسین القزوینی در کتاب النقص موسوم به « بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض » است که در حدود ۵۶۰ هجری تألیف شده . این مؤلف از او به نام امیر قوامی و یک بار بدون قید « امیر » یاد کرده است.» (۱)

قوامی از زبان تذکره ها

آنچه که تذکره نویسان در مورد قوامی نوشته اند به شرح ذیل است که آقای محدث، مصحح دیوان قوامی، در مقدمه دیوان آورده :
«عوفی در لباب الباب در باب دهم که مخصوص به ذکر شعرای آل سلجوق (عراق و نواحی آن) است گفته:

الاجلّ بدرالدین شرف الشعراء القوامی الرازی رحمه الله ؛ امیر قوامی که قد فضل از وی با قوام و خدّ هنر بدو با قوام بود ؛ ذات او در احسان فصاحت همعنان حسان؛ (۲) طبع او در شمائل لطافت هممزاج شمال وزان و آب روان ، روان از گفتهاش بر سریر سرور تکیه زنان ؛ و دل از منشآت او روح روح یابد و منخدوم از قوام الملک طغرای بود او را به وی نسبت کرده اند ...» (۳)

«امین احمد رازی در تذکره هفت اقلیم قوامی را چنین معرفی کرده :

اشرف الشعراء بدر الدین قوامی ؛ شاعریست که قد فضل او با قوام بوده و خدّ و هنرش با قوام هر نوایی که از آن عندلیب بستان فصاحت (۴) به گوش مشتاقان رسیده همه طرب انگیز و دلاویز بوده ، چون به قوام الدین طغرایبی مختلط بوده هرآینه قوامی تخلص می کرده شعر بسیار گفته اما الحال شعرش از یاقوت اصغر و کبریت احمر نایاب تر است...» (۵)

«قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین در مجلس دوازدهم که ذکر شعرای عجم است گفته:

امیر قوامی رازی رحمه الله علیه از فصحای شعرای ری و فضلالی مؤمنان فرخنده پی بوده ، اکثر اشعار او چون در مدح خاندان و سادات اولاد ایشان بوده به سعی نامشکور مخالفان از میان رفته...» (۶)

«تقی الدین محمد بن سعد الدین محمد الحسینی ... در تذکره عرفات در شرح حال قوامی چنین نوشته:

العمید الاجلّ افصح المتکلمین امّالحم المتقدمین زین الملّه شرف الشعراء امیر بدر الدین القوامی الرازی ضمیر منیرش بحری مواج ؛ و نظم دلپذیرش سراجی وهاج ، آفتاب معانی از برج طبعش تابان؛ و بدر سخندانی در سپهر قریحش شتابان است...» (۷)

«علیقلی بیگ داغستانی در کتاب ریاض الشعرا در روضه قاف در مورد قوامی چنین گفته:

امیر بدر الدین قوامی رازی از استادان زمان بوده...» (۸)

« بدبختانه از قوامی رازی مانند سایر گویندگان قدیم ری یعنی منصور منطقی وبندار و مسعود و ابو المعالی نحّاس غضایری و شمس و ابوالمفاخر مقدار قابلی شعر به جا نمانده و دیوان او هم مانند دواوین گویندگان دیگر رازی از میان رفته است ...» (۹)

آقای سعید نفیسی در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی در مورد قوامی چنین می آورد:

« از شاعران شیعه نیمه اول قرن ششم ساکن شهر ری بوده ودر این شهر ناسوایی می کرده واز مختصان قوام الدین ابوالقاسم ناصر ابن علی درگزینی طغرایبی از وزرای سلجوقیان بوده وظاهراً تخلص خود را از لقب او گرفته است...از شاعران درجه دوم این زمان به شمار می رود...» (۱۰)

« قوامی مردی شیعی مذهب ودر میان شاعران شیعه معروف بوده است. نه تنها نام او در کتاب النقص در شمار شاعران شیعی ذکر شده بلکه در آثار او اشعار کثیر در منقبت خاندان رسالت و مرثیت آنان دیده می شود.» (۱۱)

چنانکه ملاحظه شد از اشارات تذکره نویسان اطلاعی درباره احوال او بدست نمی آید جز آنکه او را از مداحان قوام الدین طغرای می دانند.

ولادت قوامی

از تاریخ دقیق ولادت او اطلاعی در دست نیست اما به قرائن ذیل ولادت او را در نیمه دوم قرن پنجم می دانند. در این مورد آقای محدث در مقدمه دیوان چنین آورده:

«چون قوامی رازی بعد از وفات مغیث الدین ابوالقاسم محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی که در سال ۵۲۵ بوده است قصیده ای در مدح ابوالقاسم ناصر بن علی در گزینی وزیر سلطان مزبور ساخته (ص ۴۴-۴۷ دیوان) و در اواخر آن قصیده ابیات ذیل را به عنوان خطاب به او اظهار می دارد:

خداوندا قوامی بس قدیم است	که دارد حق خدمت ها فراوان
رسیده پیش از این در دولت تو	ز خدمت ها به نعمت های الوان
کنون گر دورم از خدمت عجب نیست	که باغ وصل دارد داغ هجران

(ص ۴۷)

معلوم می شود که قوامی در این ایام سالیان دراز بوده که ترک خدمت این ممدوح سابق و ولی نعمت دیرینه خود را کرده در وطن خود که ری باشد اختیار اقامت نموده است و چون در قصیده دیگر که قوامی در مدح قوام الدین ساخته تخلص به مدح ممدوح خود را به این بیت زیرین کرده است:

چنین رسوا نمی ترسی که از حالت خبر یابد یگانه خواجه عالم قوام الدین طغرای
(مقدمه، ط)

معلوم می شود که این قصیده را زمانی ساخته که قوام الدین به وزارت نرسیده بوده است بلکه طغرا نویسی بوده است و بنابر تصریح عماد کاتب در تاریخ آل سلجوق به سال ۵۱۲ فرمان طغرا نویسی از جانب سلطان سنجر برای وی صادر شده است... پس معلوم می شود که تصدی قوام الدین به منصب طغرا نویسی همانا در سال ۵۱۲ بوده است و بس. بنابراین قصیده دوم قوامی در مدح قوام الدین مطابق با این زمان یعنی سال ۵۱۲ خواهد بود... و چون قوامی به دلیل این بیت در آن ایام جوان بوده است:

در این دولت همه پیران جوانستند و من بنده چو پیران بگذرانم روز و شب ایام برنایی
(مقدمه، ی)

پس باید قوامی در اوایل قرن ششم آن مقدار سن داشته باشد که بتواند از عهده مداحی برای وی که ممدوح غالب ادبا و شعرای معروف زمان خود است برآید و بلکه تقرّب و اختصاص به وی داشته باشد تا به درجه ای که تخلص خود را از لقب او بگیرد... پس باکمال جرأت باید گفت تولد قوامی در اواسط یا اواخر نیمه دوم قرن پنجم بوده است...» (۱۲)

وفات قوامی

از تاریخ وفات او هم اطلاعی در دست نیست اما «چون قوامی در اواخر عمر به مداحی شرف الدین محمد نقیب النقباء ری (۵۰۴-۵۶۶) می پرداخته است و همچنین قاضی حسن استر آبادی (متوفی ۵۴۱) و امیر عبادی (متوفی ۵۴۷) و معاصرین ایشان را مدح گفته است به نظر می آید که تا اواخر نیمه اول قرن ششم را زنده بوده باشد و در این اوان در گذشته باشد و نیمه دوم قرن ششم را درک نکرده است.» (۱۳)

البته آقای محدث با توجه به زمان نیابت خواجه نجم الدین عمیدی در ری بعد از وفات سلطان سنجر در سال ۵۵۴ و ابیاتی که قوامی در مدح خواجه حسن ابوالعمید نامی سروده و با قرائنی که داده او را همان خواجه حسن نجم الدین عمیدی دانسته است و نتیجه گرفته که قوامی اوایل نیمه دوم قرن ششم را هم درک کرده باشد یعنی مابین ۵۵۰ تا ۵۶۰. (۱۴)

آقای ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات وفات او را به این دلیل که نصیر الدین عبدالجلیل اسم او را در عداد گذشتگان آورده و او و دیگر شاعران شیعی را به عبارت «رحمه الله علیهم» دعا کرده است، در حدود سال ۵۶۰ که سال تألیف کتاب النقض است می داند. (۱۵)

ممدوحان قوامی

قوامی بسیاری از رجال و معاریف زمان خود را مدح گفته است اما ممدوحان اصلی او به قرار ذیل هستند: (۱۶)

۱- قوام الدین ابوالقاسم ناصر بن علی در گزینی طغرای، از وزرای سلجوقیان که قوامی تخلص خود را از او گرفته است.

۲- شرف الدین محمد نقیب النقبای ری (۵۰۴-۵۶۶).

۳- قاضی حسن استر آبادی متوفی در سال ۵۴۱.

۴- امیر عبادی دانشمند معروف متوفی در سال ۵۴۷.

قوامی از زبان شعرش

قوامی خود را نانبایی شاعر معرفی می کند که بازارش توحید است و گندمش از مزرعه سدر متتها است و نان شکر او بر خوان شرع مصطفی (ص) است:

- از شاعران عالم جز من که نانباست
نان سخن به رسته اندیشه در کراست
(ص ۶)
- آن نانا منم که از انبار خاطر
گندم رسد زمزرعه سدر منتها
(ص ۱۰۲)
- قوامی نانبایی شد که از بازار توحیدش
به شرق و غرب درنانت و برهفت آسمان دکان
(ص ۱۳۷)
- قوامی تا جهان باشد، نباشد نان پزی چون تو
که نان شکر تو بر خوان شرع مصطفی باشد
(ص ۱۱۰)
- آن نانا منم که چو دوکان خاطر
ایوان ملک و بارگه شهریار نیست
(ص ۳)
- قوامیا تویی آن شاعری که می گفتی
به شهر شعر منم نانبای نان سخن
(ص ۹۴)
- او خود را امیری بر لشکر سخن می داند و شاید عنوان «امیر» را که تذکره نویسان به او داده اند از همین بیت گرفته باشند:
- چون آفریدگار نظیرت نیافرید
بر لشکر سخن چو قوامی امیر باش
(ص ۱۶۲)
- شعر خود را رنگین می داند که از بهار طبعش سر زده است و دیوان خود را باغ پرگل بی خار:
- ای قوامی شعر رنگین از بهار طبع تست
نقش زیبا را چنین چشم از نگارستان دهد
(ص ۱۱۳)
- با همگنان بگوی که دیوان شعر من
باغیست کاندرو همه گل هست و خار نیست
(ص ۳)
- و گاه قصیده های خود را سخن قیامت گونه می داند:
- قصیده های قوامی قیامت سخن است
که طیر باغ بهشت است جعفر طیار
(ص ۱۲۳)
- و گاه شعر خود را گنج توحیدی که بی طمطراق و بی طاماتست و دل خود را دفتر توحید و زهد می داند.
- گنج توحید گشت دیوانش
زانکه بی طمطراق و طاماتست

(ص ۱۷۲)

دل قوامی روشن به زهد و توحید است از آن که آینه خاطرش ندارد زنگ

(ص ۱۵۱)

از بهر اهل دین به کتب خانه هنر توحید و زهد را دل او دفتر آمده ست

(ص ۱۶۳)

درخت طوبی در باغ شرع او شاخیست قوامی از بر او عندلیب مدح سرای

(ص ۱۵۴)

در شاعری خود را هم پایه حسان شاعر معروف عرب در زمان پیامبر می داند:

تو محمد نسبتی آمد قوامی تا زخود دایه احسانت اورا پایه حسان دهد

(ص ۱۱۵)

گاه شعر خود را از معلقات سبع برتر می داند:

اگر زکعبه بیاویختند سبعیات فرشته شعر من از عرش می درآویزد

(ص ۱۵۵)

و ترجیع بند خود را به ترجیع بند عمادی، شاعر مشهور معاصر خود، تشبیه می کند:

بخت بر منشور زد توقیع ما تا عمادی وار شد ترجیع ما

(ص ۲۱)

البته از میان شاعران، عمادی شهریاری که از شاعران مشهور و معاصر قوامی است در ابیاتی به مدح قوامی پرداخته که تاحدی بیانگر شخصیت قوامی در میان شعرای آن دوره است. ابیات عمادی ۱۱ بیت است که در دیوان قوامی آمده است . (۱۷)

ابیات عمادی در حق قوامی رازی :

ای قوامی هر که چون تو نانباست	تاقیامه الساعه فخر شهر ماست
گندم فضل خدای از بهر تو	کشته اندر دستگرد کبریا ست
تخمش از تقدیس عرش ایزدست	آبش از کاریز وحی انبیا ست
آسیابان آفتاب نور بخش	آسمان تیز گردت آسیا ست
آسیاهای تو را از بهر آرد	زیر دل و صدق در، سنگ صفاست
رکن دکان تو در شهر خرد	بر سر بازار سدر المنتهی است
از خمیر لطف دل قرص سخن	وز تنور نور جان نور و ضیاست
نیز بهر طعمه جسمانیان	کاسه جان را ترید دوغبا ست